

گزارش

ادعای ایجاد ۱۰ میلیون اشتغال با محدودسازی اینترنت

● **شرق:** نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفت: اجرای طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی ۱۰ میلیون اشتغال پایدار در فضای مجازی ایجاد خواهد کرد. طرح صیانت از کاربران فضای مجازی که در عمل به مسدودسازی اینترنت و تعطیلی هزاران کسب‌وکار مجازی منجر خواهد شد با انتقادات بسیاری مواجه شده که طراحان طرح بدون توجه به تبعات اقتصادی و امنیتی همچنان بر تصمیمشان اصرار دارند و حتی معتقدند ایجاد اشتغال هم خواهند کرد. این در حالی است که اپلیکیشن‌های ایرانی با کلی هزینه و حمایت دولتی حتی در بخش پیام‌رسان‌ها هم موفق نبوده و مملو از ایراد و مشکل بودند. حتی مخاطبان پیام‌رسان‌های فیلترشده بیش از داخلی‌هاست. نصرالله پژمان‌فر نایب‌رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و طراح طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی گفت: در صورت اجرای این طرح ۱۰ میلیون اشتغال امن پایدار ایجاد خواهد شد. نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: درحال‌حاضر حدود صد هزار شغل در فضای مجازی وجود دارد که پایدار نیست اما در صورت اجرای طرح صیانت این اشتغال پایدار خواهد شد. رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه خدمات اینترنت در ایران بسیار بی‌کیفیت است اظهار کرد: در صورت اجرای طرح صیانت کیفیت خدمات اینترنت افزایش خواهد یافت. علی بابایی کارنامی، دیگر نماینده مجلس یازدهم نیز با تأکید بر اینکه کسب‌وکارها نیز باید بایبند مجوز دریافت کنند، درباره اینکه اگر شبکه‌های اجتماعی شروط ایران را نپذیرند چه می‌شود، بیان کرد: این‌گونه نیست، نیز یک کشور هستیم و این‌گونه نیست هرچه ما می‌گوییم، گوش کنند؛ بلکه ما یک فضایی را فراهم می‌کنیم که همه شبکه‌های خارجی‌ها و داخلی‌ها در ساختار قانونی کشور قرار می‌گیرند. شما کجای دنیا را سراغ دارید که یک اپراتور فعالیت کند و مجوز نگیرد. با این تفاسیر با کاهش پهنای باند اینستاگرام و تعطیلی بخش مهمی از کسب‌وکارهای مجازی و ضرورت کسب مجوز برای فعالیت در اپلیکیشن‌های ایرانی که کیفیت و خدمات در خوری تاکنون نداشته و از رانت دولتی ایجادشده میلیاردها تومان هزینه داشته‌اند، ادعای ایجاد اشتغال در حد سخن باقی خواهد ماند و موج جدیدی از بی‌کاری ایجاد خواهد شد.

مهرشاد ایمانی: دیروز آخرین نشست هیئت دولت برگزار شد و حسن روحانی هم از مردم حلیات طلبید تا بعد از این شاهد عصر اصولگرایان باشیم؛ دورانی که نظام سیاسی ایران در یک‌دستی کامل اصولگرایان پیش خواهد رفت تا دیگر مسئول خوب و بد همه تصمیم‌ها اصولگرایان باشند؛ کسانی که در تمام این هشت سال کم به اصلاح‌طلبان و دولت حمله نکردند؛ حالا اصولگرایان می‌دانند و مملکت، آنها می‌توانند تورم را کنترل کنند، به کسب‌وکارها رونق ببخشند، روابط بین‌المللی ایران را با حفظ اقتدار ملی حل‌وفصل کنند و درنهایت اجازه دخالت به هیچ بیگانه‌ای را ندهند. حالا نوبت اصولگرایان است که تمام دغدغه‌های مردم را رفع کنند و البته دیگر هم نمی‌توانند مسئولیت مشکلات را بر گردن اصلاح‌طلبان بیندازند، زیرا بعد از این خیر و شر همه تصمیم‌ها با خود آنهاست و قضاوت آینده هم بماند برای آینده زمانی که عملکرد اصولگرایان بر همگان مشخص شود. اما امروز آنچه را که می‌توان قضاوت کرد، عملکرد دولتی است که عمرش به پایان رسیده و هرچه بود و نبود بر همه عیان شده است.

برده‌اول: فتح بزرگ

دولت حسن روحانی چهره‌ای دوگانه دارد؛ از یک‌سو نماد امیدی است که در سال۹۲ به وجود آمد و البته تلاش‌هایی که برای رفع مشکلات هسته‌ای ایران انجام داد و از سوی دیگر یادآور سخت‌ترین روزهای اقتصادی مردم ایران است. ماجرا از آنجا شروع شد که با پایان دولت محمود احمدی‌نژاد اکثریت جامعه در رد سیاست‌های آن دولت کوشیدند برای تغییر اوضاع به نامزد مورد حمایت اصلاح‌طلبان رای دهند. اصلاح‌طلبان هم وضعیت خوبی نداشتند زیرا هنوز فشارهای سنگین بعد از حوادث انتخابات سال۸۸ بر دوش آنها سنگینی می‌کرد. در سال ۹۲ یک اتفاق کاملا استراتژیک رخ داد که چند ضلع تشکیل‌دهنده آن بودند؛ نخست، تصمیم مردم بر تغییر وضع موجود. دوم، عزم اصلاح‌طلبان برای حضور مجدد در قدرت سیاسی و سوم، اراده هاشمی‌فسنجانی برای تأثیر مستقیم در اداره کشور خواه با ورود خودش به عرصه انتخابات و خواه در صورت ردصلاحیتش با حمایت از نیروی مورد نظرش که همان حسن روحانی بود. اصلاح‌طلبان با محوریت خاتمی محمدرضا عارف را روانه میدان کردند و هاشمی هم بعد از ردصلاحیتش از روحانی حمایت کرد. براساس آنچه روایت می‌شود هاشمی گفته بود اگر از روحانی حمایت کامل رخ ندهد، سرمایه اجتماعی‌اش را کنار می‌کشد و کنار اصلاح‌طلبان نمی‌ایستد. نیروهای اصلاح‌طلب و مشخصا خاتمی که مهم‌ترین هدف آن روزهایشان سروسامان‌دادن به اوضاع سیاست خارجی بود و البته با درنظرداشتن تجربه تلخ اختلافات میان خودشان با هاشمی در سال ۸۴، به سخن هاشمی تمکین کردند و یکسره به حمایت از روحانی پرداختند و عارف هم با دلخوری و از سر نوعی اجبار تشکیلاتی کنار کشید. روحانی هم با مطرح‌کردن شعارهای اصلاح‌طلبانه تا حد زیادی طبقه متوسط را قانع کرد که اگرچه پایگاه سیاسی اصلاح‌طلبی ندارم اما می‌توانم نماینده اصلاح‌طلبان باشم. او با شعارهایی مانند رفع حصر کاملا بر سرمایه اجتماعی اصلاحات مسلط شد و درنهایت هم به پیروزی رسید.

برده‌دوم: روزهای روشن

چهار سال اول دولت روحانی تقریباً در همه ابعاد به خوبی و خوشی گذشت، دولت تورم را مهار کرد، رشد اقتصادی در وضعیت خوبی به سر

سیاست

۸ سال دولت حسن روحانی چگونه گذشت؟

سیمای دوگانه یک رئیس‌جمهور



می‌برد و درنهایت دولت روحانی توانست مذاکرات هسته‌ای را به سرانجام برساند تا در اواخر دوره اول بعد از انجام مذاکراتی طولانی و البته سخت، تیم مذاکره‌کننده با محوریت محمدجواد ظریف دست پر به کشور بازگردد که البته همان‌زمان منتقدان اصولگرا، برجام را سسند خیانت دولت می‌نامیدند و تمام تلاش‌شان را کردند که در مجلس این معاهده بین‌المللی تصویب نشود تا قابلیت اجرایی شدن نداشته باشد، اما نتوانستند. برجام اجرایی شد و شرکت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران حاضر به همکاری شدند، بخش مهمی از پول‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شد و ایران در پایان دوره ریاست‌جمهوری اوپاما در آمریکا، مسیر خوبی را در جهت آرامش در عرصه بین‌المللی و رشد، توسعه و ثبات داخلی طی کرد.

برده‌سوم: زمستان طولانی

سال ۹۶ فرارسید و انتخاباتی دیگر، روحانی در عرصه انتخابات تنها نبود و اسحاق جهانگیری هم به‌عنوان نامزد پوششی او را همراهی می‌کرد تا هر سخن تندی که روحانی نمی‌توانست بزند، از زبان جهانگیری جاری شود. دولت در اوج غرور از تصویب برجام به سر می‌برد، روحانی خود را فاتحی بزرگ می‌دانست، ظریف بسا مصدق و امیرکبیر مقایسه می‌شد و اصلاح‌طلبان هم مسرور از توفیق‌های روحانی خود را عامل اصلی روی‌کارآمدن چنین دولتی می‌دانستند که ناگهان دونالد ترامپ جمهوری‌خواه در آمریکا روی کار آمد. ترامپ رویه‌ای تهاجمی داشت، تصور می‌کرد که برای کنترل ایران باید فشار حداکثری وارد کند و به معنای دقیق کلمه اصلا باوری به مذاکره نداشت. البته روحیات خاص ترامپ صرفا در مواجهه با ایران نبود بلکه او آمریکا را از بسیاری از معاهدات بین‌المللی خارج کرد و صرفا بر تقویت اقتصاد داخلی آمریکا تمرکز داشت. ترامپ برجام را سندی تنگ‌آور برای آمریکا می‌دانست و تمام تلاشش را کرد که آمریکا از برجام خارج شود که همین اتفاق هم رخ داد. آمریکا از برجام خارج شد و طرف‌های اروپایی هم برخلاف وعده‌هایی که داده بودند، نتوانستند برجام را حفظ کنند و عملا این معاهده توان اجرایی‌شدن نداشت. از آن طرف ترامپ به همین میزان هم راضی نبود و سنگین‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد؛ تحریم‌هایی که در مقام اجرا به‌مراتب سنگین‌تر از تحریم‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل بود. ایران برای فروش نفت به مشکل خورد، مرادوات اقتصادی‌اش با جامعه بین‌المللی سخت شده بود زیرا ترامپ تهدید می‌کرد که هر کشوری که با ایران ارتباط داشته باشد، رنگ دلار آمریکایی را نخواهد دید. از آن‌سو تصویب FATF در ایران هم به مشکل خورد و برخی نیروهای خاص در ایران اجازه به‌سرانجام‌رسیدن آن را ندادند تا مبادلات اقتصادی و بانکی ایران

به‌مراتب سخت‌تر و بیچیده‌تر شود. برگردیم به حال و روز دولت؛ روحانی و دولتی‌ها با شوک بزرگی مواجه شده بودند. انکار آب سردی بر پیکره دولت ریخته شده بود و روحانی که همه هست و نیست سیاسی دولتش را در برجام تعریف کرده بود، عملا دست از هر اقدامی کشید. همه‌چیز در هم پیچیده شده بود؛ از یک سو تحریم‌های حداکثری فشار می‌آورد، از آن‌سو تدروهای داخلی همکام با ترامپ زمینه تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌ها را فراهم می‌کردند و از سوی دیگر روحانی هم به یک دولت بی‌عمل تبدیل شد. دولت هیچ برنامه خاصی نداشت؛ نه تلاش می‌کرد با کشورهای منطقه ارتباط سیاسی و اقتصادی‌اش را تحکیم کند، نه می‌کوشید بر تولید داخلی تکیه کند و نه حتی برنامه‌ای برای دوران تحریم در نظر داشت. فشارهای اقتصادی افزایش می‌یافت و مردم حتی پیش از خروج آمریکا از برجام در اعتراض به وضعیت معیشتی خود در دی‌ماه ۹۶ به خیابان‌ها آمدند و اوج این اعتراض‌ها بعد از گران‌شدن بنزین در آبان سال ۹۸ مشاهده شد که روحانی گفت من خودم نیز از این افزایش قیمت خیر نداشتم! مردم به خیابان‌ها آمدند و براساس آمار رسمی تعدادی از معترضان جان باختند. دولت در تمام این مدت چشم امیدش به پایان دولت ترامپ در آمریکا بود و هیچ سعی ویژه‌ای برای سروسامان‌دادن به اوضاع اقتصادی در پیش نگرفت. روحانی در دولت دومش در حوزه سیاسی هم آن چیزی که مردم در سال ۹۲ انتظار داشتند، نبود؛ او عملا حساب خود را از اصلاح‌طلبان جدا کرد و با نیم‌نگاهی به آینده سیاسی‌اش کوشید که بیشتر دل اصولگرایان را به دست بیاورد تا ماند در آینده رئیس‌جمهوری مغضوب باشد که البته در این مسیر هم ناکام ماند زیرا اصولگرایان آن قدر با او مشکل داشتند که به اشارات او پاسخ مثبت ندهند. اصلاح‌طلبان تا حد امکان از روحانی حمایت می‌کردند تا جایی که چنین گمانی به وجود آمد که نیروهای اصلاح‌طلب قدرت سیاسی را بر سرمایه اجتماعی خود ترجیح می‌دهند اما حتی آنها نیز وقتی وضعیت بفرنج ایران خاصه در حوزه اقتصادی به اوج رسید، سعی کردند با صدای آرام به انتقاد از دولت بپردازند. درواقع شرایطی به وجود آمد که نه دیگر روحانی تمایل داشت منتسب به اصلاح‌طلبان شناخته شود و نه نام روحانی و عملکرد دولتش نشانی پرافتخار بر دوش اصلاح‌طلبان محسوب می‌شد و آنها نیز سعی کردند حساب خود را از دولت جدا کنند تا دست‌کم عملکرد دولت به پایشان نوشته نشود که البته چنین نشد و مردم تا همین امروز هم روحانی را برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان می‌دانند.

برده‌آخر: خداحافظی تلخ

برسیم به لحظه خداحافظی؛ روحانی به پایان کارش رسید، از مردم حلیات طلبید و آخرین جلسه هیئت دولت هم برگزار شد. البته مشخص نیست که حلیات‌طلبیدنش از سر تعارف‌های مرسوم بود یا خودش نیز باور دارد که آنچه قرار بود بشود، نشد و مردم دولت تدبیر و امید حسن روحانی را دولتی موفق قلمداد نمی‌کنند اما هرچه هست حتما روحانی می‌داند دربی تمام فرازونشیب‌های هشت‌ساله، حال عمومی مردم ایران خوب نیست. روحانی می‌داند که به هر دلیلی نتوانست امید را در جامعه زنده نگاه دارد و البته هر منتقد منصفی نیز باید بداند که روحانی مقصر تمام وضع فعلی نبود و باید گفت که او چهره‌ای دوگانه در آنچه در این هشت‌سال رخ داد، داشت؛ چهره‌ای که یک سرش تدبیر و امید بود و سر دیگرش ناامیدی و بی‌برنامگی.

دریچه

محمد مهاجری، تحلیلگر مسائل سیاسی:

برخی آقایان جبهه پایداری عشقشان «کره شمالی» است

● **نامه‌نیوز:** یک تحلیلگر مسائل سیاسی گفت: کافی است طرح صیانت از فضای مجازی شش ماه اجرا شود، مردم می‌فهمند که حتی برای آب‌خوردن و ارتباط با دوستان و آشنایان خود از طریق فضای مجازی باید از جبهه پایداری اجازه بگیرند. محمد مهاجری، تحلیلگر مسائل سیاسی درباره طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» گفت: این طرح درواقع چنگ و دندان نشان‌دادن جبهه پایداری برای امتیازگرفتن از ابراهیم رئیسی هنگام چینش اعضای کابینه است. معتقدم پایداری با این کار می‌خواهد نشان دهد می‌تواند پوسته خربزه زیر پای دولت آقای رئیسی بیندازد تا عاملی برای ناراضیاتی مردم از دولت سیزدهم شود. این فعال مطبوعاتی درباره احتمال عقب‌نشینی طراحان از پیگیری طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی»، اظهار کرد: آنها عقب‌نشینی نخواهند کرد، از نظر جبهه پایداری وقتی برجام هوا شد و تحریم‌ها سر جایش ماند، هیچ اتفاقی نیفتاد؛ بنابراین وقتی اینترنت هم فیلتر شود هیچ اتفاقی نمی‌افتد، همه شاد هستند و خوب زندگی می‌کنند. وی با اشاره به تبعات منفی طرح «صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» گفت: هر طرحی از این دست که محدودیت در دسترسی به امکانات ایجاد کند، فسادآور و رانت‌آور است چون کاربران فضای مجازی برای آنکه به فضاهای فیلترشده دسترسی پیدا کنند، مجبور به خرید فیلترشکن می‌شوند. الان معلوم است فروشندگان فیلترشکن چه کسانی هستند. آن زمان بازار برای آنها انحصاری می‌شود و به سودهای نجومی می‌رسند چون قیمت فیلترشکن را هر چقدر دوست داشته باشند تعیین می‌کنند. این تحلیلگر مسائل سیاسی یادآور شد: کافی است این طرح شش ماه اجرا شود، مردم می‌فهمند که حتی برای آب‌خوردن و ارتباط با دوستان و آشنایان خود از طریق فضای مجازی باید از جبهه پایداری اجازه بگیرند. من به کره شمالی سفر کردم آنجا اگر فردی بخواهد به شهر دیگری برود که پدر و مادرش را ببیند، باید مجوز تردد بگیرد. از این جهت می‌توان گفت شبیه کره شمالی می‌شود. من متفرم که بگویم ایران کره شمالی می‌شود اما برخی آقایان جبهه پایداری عشقشان کره شمالی است.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL
GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran